

## ” به بهانه ی دستمزد “

### علیرضا خباز

دستمزد یکی از جدی ترین و اساسی ترین مطالبات روزمره ی کارگران است، هر قطعنامه ای در روز کارگر با هر گرایش بحث دستمزد را سرلوحه ی بندهایش قرار می دهد. سرمایه سال هاست که هجوم خود را بر این مطالبه ی اساسی کارگران ایران آغاز کرده است و در این راه به موفقیت بزرگی دست یافته است. بیکارسازی ها و اخراج ها، بازخریدها، قراردادهای موقت و ... همه زنجیرهای برنامه ریزی شده ای هستند که هر چه بیشتر دستمزد را کاهش دهند، قراردادهای موقت و ارتش بیکاری که برای به دست آوردن کار هر چند با قرارداد یک ماهه و سه ماهه حاضر به انجام کار با دستمزد های پیشنهادی سرمایه باشد. سرمایه سالیان سال است با توسل به هر ابزاری به این مهم دست یافته است و نه تنها مقطع کنونی برای او راضی کننده نیست، بلکه توقع بالاتری نیز دارد. این که: ” با هر دستمزد و با هر مدت کاری که من می خواهم باید کار کنی “.

سالیان سال است که فریاد می زنیم شورای کار شورای سرمایه است و هیچ کس نماینده ی واقعی کارگران در این شورا نیست اما هم چنان این ارگان سرمایه همه ساله تعیین می کند که ما کارگران چه مقدار نان بر سفره داشته باشیم یا نه؟

ما کارگران با چه کسی و چه جناحی و کدام دولت طرف هستیم در این میان دوست کیست دشمن کجاست؟ جبهه ی عظیم و مجهزی علیه طبقه ی کارگر در ایران شکل گرفته است. هر دولتی با هر گرایشی چه با شعار سازندگی، چه با گفت و گوی تمدن ها و چه با عدالت محوری !!! با مصوبات خود با مجلس خود با وزیر کار خود با استفاده از نیروهای ضد کارگری خانه ی کارگر با تشکلات دولتی، با ارگان های سرکوب خود، با دکترین های اقتصادی خود دندان خود را در پیکر کارگران، این آفرینندگان زندگی فرو کرده اند. باعث تعجب است این پیکر نحیف چه اندازه خون در خود دارد که این چنین جانیان سرمایه را سیراب نگه می دارد.

چهار ماه از سال گذشت سرمایه داران و عدالت محوران!! و حامیان به اصطلاح کارگران در شورای عالی کار، خانه ی کارگر، وزارت کار و کارفرمایان چه عالی نقش بازی کردند تا این سناریوی شوم این چنین در زندگی ما کارگران محقق شد. به راستی ما با چه کسی می جنگیم. جبهه ی رو به روی

ما چه کسانی هستند. کدام دولت، کدام جناح، راست یا چپ؟ هر چه هست، با یورش همه جانبه با یک جنگ زرگری، طعم عدالت را به ما چشانند. ۵۰۰۰۰ هزار نفر در عرض سه ماه اخراج شدند. بدیهی است که در چنین شرایطی سرمایه داران نگران کمبود نیروی کار ارزان نباشند، چرا که در این دیار ارزان ترین آن به وفور یافت می شود.

اسفند ۸۵ شورای عالی کار این ارگان سرمایه در حق کارگران قراردادی لطف می کنند. و ۶۰۰۰۰ هزار تومان حقوق آن ها را افزایش می دهد. تبلیغات آغاز می شود، وزیر کار مصاحبه می کند و از برنامه های حمایتی خود از کارگران قراردادی سخن می گوید. کارفرماها اعتراض می کنند.

خانه ی کارگر به منتخبان وزیر کار در شورای عالی کار اعتراض می کند که این دستمزد دو گانگی و دو دستگی در بین کارگران به وجود آورده است. هیاهوی عجیبی شکل گرفته است. کارگران قراردادی مات و مبهوت به سرانجام این هیاهو فکر می کنند.

کارفرماها در واکنش به افزایش دستمزدها اقدام به اخراج وسیع کارگران می کنند، ۵۰۰ نفر، ۱۰۰۰ نفر، ۳۰۰۰ نفر، و ... سه ماه از آغاز سال گذشته که بیش از ۵۰۰۰۰۰ هزار نفر اخراج می شوند، مخالفان شورای عالی کار اعتراض می کنند. خانه ی کارگر آمارهای اخراج را در روزنامه ی کار و کارگر افشا می کند. فشار بر روی کارگران قراردادی روز به روز بیشتر می شوند. کارگران از خود می پرسند: آیا ما را نیز اخراج خواهند کرد؟ آیا اضافه حقوق ۶۰۰۰۰ هزار تومان را به ما خواهند داد؟ زمزمه هایی در راه است و مصوبه ای دیگر. شایعات بین کارگران دهان به دهان می چرخد:

می خواهند دستمزدها را کم کنند،

نه این کار را نمی کنند، مگر می شود؟

دروغ است و شایعه.

مصوبه ی شورای عالی کار رسماً اعلام می شود.

هنوز که بخشنامه نشده؟ بخشنامه به کارخانجات فرستاده می شود.

بخشنامه نیست طنزنامه ی تلخی است که صحبت از توافق کارگر و کارفرما گفته است.

و ما مانده ایم که بخندیم یا گریه کنیم. بدون توافق کارگر قراردادی یک ماهه، سه ماهه، شش ماهه با **کارفرمایان!!! دستمزد کم نمی شود.**

هم سرنوشتان :

جبهه ی عظیمی رو در روی ما قرار گرفته است در آن جبهه ی دوستی وجود ندارد. همگی دشمن هستند. دشمنان غارت گر و خون خوار که به جز به خالی نگه داشتن سفره های مان به چیز دیگری نمی اندیشند. آن ها پیشاپیش و بعد از سال ها برنامه ریزی به این جا رسیده اند. و چه وقیحانه بر سر سفره های خالی مان رقص و پایکوبی می کنند.

**کارگران شرکت واحد:**

دست شما را به گرمی می فشاریم که چنان شجاعانه و گاه تنها در مقابل این جبهه ایستادید، کارگران نساجی، کارگران قراردادی کارگران پروژه ای، کارخانجات و کارگاه ها، کارگران بی شکل!!! و همه ی هم طبقه ای های من تجربه ی تلخ سال های گذشته ثابت کرده است، که به تنهایی قادر به مبارزه و مقابله نیستیم.

بیائیم برای غلبه بر تشمت و پراکندگی در جنبش کارگری با هم ارتباط بگیریم و اولین گام رسیدن به این مهم ایجاد **کمیته های ارتباط** می باشد. هر جا که هستیم، هر چند نفر در کارگاه یا کارخانه، با هر گرایشی در مرزبندی با فرقه گرایی و با تأکید بر نقاط اشتراک برای ایجاد **کمیته های ارتباط** با یکدیگر مرتبط و متحد شویم.